

فرد دتومت

در مع ههای  
و ک  
تا  
سوم دبیرستان

و امتحان نهایی  
و پژهی کنکور

پدید آورندگان:  
بهمن دانشیان، محمد نقدهدوز طهرانی

انتشارات  
علمی  
فار  
phare  
www.pharepub.com

مجموعه‌ای که پیش رو دارید، شامل قواعد عربی سال سوم متوسطه است.

در این آفاردئون با کامیون منصوبات طرف هستیم، یعنی چندتا ساختار و نقش بداخلاق عربی که همه‌شون منصوب‌اند. اما ما با درس‌نامه‌ها، نکته‌ها، تست‌ها (خلاصه هرچی داشتیم) تفاوت‌ها رو گفتیم و ثابت کردیم که عربی واس ماس! با تشکر از نگاه منتقد و دقیق سر کار خانم هدایتی برای ویراستاری.

به امید موفقیت روز افزون همه‌ی شما

نمادهای به‌کار رفته در این آفاردئون:

فَايَتْكَ : بلافاصله بعد از يك تست می‌آید و شما را با نکته‌ای که آن تست دارد آشنا می‌کند.

هَجْد دانا که دقتش خیلی بالاست؛ هر جا دلش خواست می‌آید و حرفی و نکته‌ای و توصیه‌ای می‌گوید.

### فهرست

۳	..... حال
۳	..... افعال دومفعولی
۷	..... تمییز
۱۱	..... مُستثنی
۱۵	..... مُنادی
۱۸	..... راه تشخیص منادی از مبتدا در موقع حذف «یا»
۲۰	..... پایان‌هی ترکیب تشریحی



انتشارات علمی فار

تلفن: ۶۶ ۵۹ ۷۹ ۹۹

[www.PharePub.com](http://www.PharePub.com)

ISBN:978-600-7926-08-6



ویراستار علمی و ادبی: نازنین هدایتی

حروف‌چین و صفحه‌آرا: سمیه بهرامی

قیمت: ۴۰۰۰ تومان

## حال

معادل قید حالت در زبان فارسی یا انگلیسی است و در زبان عربی کلمه‌ای است که حالت و چگونگی يك اسم معرفی قبل از خود را بیان می‌کند.

## ■ ویژگی‌های حال

۱. منصوب است.
۲. باید نکره باشد (هرگز ال نمی‌گیرد)
۳. باید مشتق باشد.
۴. از نظر جنس و تعداد با يك اسم معرفی قبل از خود مطابقت می‌کند که به آن اسم معرفه ذوالحال می‌گوییم.

☞ **حال يك نقش است ولی ذوالحال نقش نیست.**

**نکته‌ی مهم:** حال که يك نقش منصوبی است به شکل‌های اعرابی زیر در جمله ظاهر می‌شود (یعنی حال با این قیافه‌ها می‌تونه صحیح باشه).

۱. مَـ ← مفرد و منصوب ظاهراً
۲. مِئِنَ ← مثنی و منصوب فرعاً
۳. مِیْنِ ← جمع مذکر و منصوب فرعاً
۴. مَاتِ ← جمع مؤنث و منصوب فرعاً به کسره

☞ **حال هرگز مرفوع و مجرور نمی‌آید پس کلماتی که پایانشان علامت‌های «مَـ ، مِئِنَ ، مِیْنِ ، مَاتِ» می‌باشد حال مفرد نیستند.**

## ■ مثال‌های حال:

کَتَبْتُ و اجباتی مُشْتَقاً.

ذوالحال حال منصوب ظاهراً

رَأَيْتَ مُعَاوِنِينَ مُشْتَقِينَ

ذوالحال حال، منصوب فرعاً

قُمْنَ الْمُؤْمِنَاتِ بِالْإِنْفَاقِ شَاكِرَاتٍ.

ذوالحال حال، منصوب فرعاً

هِمَا يُصَلِّيَانِ شَاكِرَيْنِ.

الف ← ذوالحال حال، منصوب فرعاً

أَنْفَقَتْ فَاطِمَةٌ إِنْفَاقاً رَاضِيَةً.

ذوالحال حال منصوب ظاهراً

☞ **همان‌طور که دیدید ذوالحال و حال از نظر جنس و تعداد با همدیگر مطابقت دارند.**

**نکته‌ی مهم:** توجه کنید که مفعول به دوم و خبر نواسخ را با حال، اشتباه نگیرید.

## افعال دو مفعولی

وَعَدَ ، جَعَلَ ، حَسِبَ ، أَتَى ، ظَنَّ ، عَدَّ ، أَرْزَقَ ، الْبَسَ ، أَعْطَى ، وَهَبَ ، عَلَّمَ .  
گمان کرد برشمرد پوشانید بخشید

كُنْتُ مُشْتَقاً لِلْمُطَالَعَةِ

خبر

أَصْبَحَ الْجَوْ الْيَوْمَ لَطِيفاً

خبر

جَعَلَتِ الْأُمَّ الْبَيْتَ نَظِيفاً.

دو مفعولی م به اول م به دوم

هل تَحْسِبُهُ أَمِيناً بِأَسْرَارِ حَيَاتِكَ

دو مفعولی م به دوم

م به اول

وَهَبَ الْأَبُ الذَّرْهَمَ فَقِيراً.

دو مفعولی م به اول م به دوم

همان‌طور که در مثال‌های بالا دیدید کلماتی چون «**فَقِيراً**» - **مُشْتَقاً** - **أَمِيناً** - **نَظِيفاً** و ... نکره، مشتق و منصوب هستند یعنی ویژگی‌های حال بودن را دارند ولی به دلیل این‌که خبر نواسخ یا مفعول به دوم واقع شدند پس نمی‌توانند حال باشند.

📖 برای حل تست‌های حال با اصطلاح‌های زیر آشنا شوید.

اصطلاح	منظور
عِبارة تُبَيِّنُ هَيْئَةَ الْفَاعِلِ	حالی که ذوالحال آن فاعل است.
عِبارة تُبَيِّنُ هَيْئَةَ الْمَفْعُولِ بِهِ	حالی که ذوالحال آن مفعول به است.
عِبارة تُبَيِّنُ هَيْئَةَ نَائِبِ الْفَاعِلِ	حالی که ذوالحال آن نائب فاعل است.
عَيَّنَ صَاحِبَ الْحَالِ فَاعِلاً	حالی که ذوالحال آن فاعل است.
عَيَّنَ الْمَفْعُولَ بِهِ صَاحِبَ الْحَالِ	حالی که ذوالحال آن مفعول به است.
عَيَّنَ مَا يُبَيِّنُ حَالَهُ	منظور پیدا کردن حال است.

۱- عَيَّنَ الْعِبارةَ الَّتِي تُبَيِّنُ حَالَةَ الْفَاعِلِ  
 (۱) إِنَّ الْأَنْبِيَاءَ يَهْدُونَ النَّاسَ ضَالِّينَ!  
 (۲) نَبَّهَتْهُ أُمُّهُ نَادِماً مِنْ عَمَلِهِ السَّيِّئِ!  
 (۳) اسْتَيْقَظَتِ الْطِفْلةَ مِنَ النَّوْمِ قَلْقَةً!  
 (۴) لِأَسَاعِدِ إِخْوَانِي الْمُسْلِمِينَ مَظْلُومِينَ!

۲- عَيَّنَ صَاحِبَ الْحَالِ فَاعِلاً:  
 (۱) أَخَذْتُ الْكُتُبَ مِنَ الْمَكْتَبَةِ سَرِيعاً!  
 (۲) رَأَيْتُ الضِّيُوفَ فِي الْغُرْفَةِ جَالِسِينَ!  
 (۳) يَحَاسِبُ الْمُخْطِئَ خَائِفاً!  
 (۴) دَعَوْتُ أَقْرَبائِي شَاكِرِينَ!

۳- عَيَّنَ الْحَالِ يَبَيِّنُ حَالَةَ الْمَفْعُولِ:  
 (۱) قَرَأَ التَّلْمِيزَ دَرَسَهُ حَوْلَ مَوْضُوعِ قَرائِنِ الْمادَّةِ دَوْباً.  
 (۲) شَاهَدْتُ فِي الْمَسْتَشْفَى الْمَمْرُضَاتِ سَاهِرَاتِ.  
 (۳) يَا أَيُّهَا النَّاسُ عَلِّمُوا أَوْلادَكُمْ مَشْفِقِينَ عَلَيْهِمْ!  
 (۴) شَاهَدْتُ أَرْهَارَ الْحَدِيقَةِ مُعْجَباً بِجَمالِها!

۴- عَيَّنَ الْجَوابَ الَّذِي يَدُلُّ عَلَى كَيْفِيَّةِ الْمُصَلِّي: «لا تَقِيمُوا صَلاتَكُمْ  
 (...»  
 (۱) قَبْلَ الْوَقْتِ (۲) مُتْكَاسِلِينَ  
 (۳) آخِرَ الْوَقْتِ (۴) اِقامَةً

### ۱. استيقظت الطفلة قلقة

فاعل حال (مشتق و صفت مشبّهه)

۲. أخذت ..... سريعاً ← سريع بودن (حال گیرنده کتاب‌ها  
 ذوالحال حال

است نه کتاب‌ها چون کتاب‌ها که نمی‌توانند با سرعت باشند).  
 بررسی ذوالحال دیگر گزینه‌ها:

۲ الضيوف ← ذوالحال و مفعول به

۳ المخطئ ← ذوالحال و نائب فاعل

۴ أقرباء ← ذوالحال و مفعول به

۳. شاهدت ..... الممرضات ساهرات

مفعول به و ذوالحال حال

بررسی ذوالحال در سایر گزینه‌ها:

۱ التلميذ ← ذوالحال و فاعل

۳ «و» در علموا ← ذوالحال و فاعل

۴ «ت» در شاهدت ← ذوالحال و فاعل

۴. سؤال کلمه‌ی مناسب برای نقش حال را می‌خواهد. گزینه‌های  
 (۱ و ۳) «قبل - آخر» ← چون ظرف‌اند مفعول فیه‌اند (ردّ ۱ و ۳)  
 و گزینه‌ی «۴» چون جامد است نقش مفعول مطلق خواهد داشت  
 نه حال (ردّ ۴)

۵- «یحزن الأطفال فی أرض فلسطين محرومین من حقوقهم!» تتکلم کلمة «محرومین» عن حالة .....

- (۱) الأرض (۲) فلسطين (۳) حقوق (۴) الأطفال

۶- «اشترکت ..... فی حفلة التکریم ..... من أخذ الجوائز الثمينة.» عین الصحيح للفراغ: (سنجش ۸۶)

- (۱) الطلبة / مسرورتان (۲) الطالبات / مسرورتین (۳)  
(۴) الطالبین / مسرورتان

دو نکته‌ی بسیار مهم:

۱. اگر بخواهیم برای ذوالحالی که «جمع مکسر غیر عاقل» است حال بیاوریم، حال باید به شکل مفرد مؤنث باشد.

هل شاهدتم الأشجارَ جميلةً؟

ذوالحال حال - مفرد مؤنث

- قرأتَ الكُتُبِ نافعَةً.

ذوالحال حال - مفرد مؤنث

۲. كيف + فعل (غير از افعال ناقصه)

حال و منصوب محلاً

- كيف ترجعونَ من المدينةِ

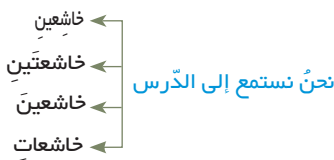
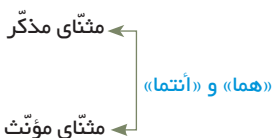
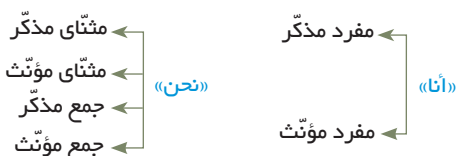
حال و منصوب محلاً

- كيف يُنشد هذا الشاعر القصيدةَ.

حال و منصوب محلاً

برخی از ضمایر در پذیرفتن حال، از لحاظ جنس و تعداد إبهام دارند.

مثال:



🔗 کلمات زیر به شرط این که نقش دیگری نداشته باشند «حال» هستند.

«مرفوع الرأس - صفر الید - باباً باباً - صفّاً صفّاً - عرباً عرباً - معاً - واحداً واحداً - وحدٌ + ضمیر متصل منصوبی»

مثال:

هو مرفوع الرأس.

خبر و مرفوع

سعيدٌ كانَ واحداً منهم

خبر کان و منصوب

قرأتَ العربيةَ باباً باباً.

حال و منصوب

يجتهد لعزته وَحدهُ.

حال و منصوب مضاف إليه

إلهی لا تجعلنی صفر الید.

م به ۱ م به ۲

۵. 📖 کودکان در سرزمین فلسطين درحالی که از حق های خود محروم اند، ناراحت می شوند. ← طبق جمله‌ی سؤال «محرومین» حال و چگونگی «الأطفال» است.

۶. 📖 فاعل باید مرفوع باشد (ردّ ۳ - چون منصوب به ی است). در ضمن حال و ذوالحال باید با همدیگر مطابقت داشته باشند و در گزینه‌ی ۴ هر دو اسم مثنی هستند. (ردّ ۱ و ۲)